زیرا او که مقدس می‌سازد و آنان که مقدس می‌شوند، همه از یک تبارند. از همین رو، عیسی عار ندارد ایشان را برادر بخواند. چنانکه می‌گوید: «نام تو را به برادرانم اعلام خواهم کرد؛ و در میان جماعت، تو را خواهم ستود. و باز می‌گوید: «من بر او توکل خواهم کرد.» و باز: «اینک من، و فرزندانی که خدا به من داده است.» عبرانیان ۱: ۱۱-۱۳

آیات قبل از این متن به صراحت اعلام می‌کنند که مسیح به خاطر رنجی که متحمل شد به جلال رسید؛ «...ولی اکنون تاج جلال و اکرام بر سرش نهاده شده است، چرا که از رنج مرگ گذشت ...». همین رنج نیز او را به عنوان کاهن اعظم ما قرار داد. نویسنده عبرانیان پس از اعلام این موضوع مهم، اعلام می‌کند که این کاهن و قومش، هم‌تبار و هم‌طبیعت هستند.

«زیرا او که مقدس می‌سازد و آنان که مقدس می‌شوند، همه از یک تبارند» (۲: ۱۱). بر اساس متن کسی که مقدس می‌سازد عیسای مسیح و آنانی که مقدس می‌شوند شاگردان او هستند. هم‌تبار بودن یا هم‌منشاء بودن که نویسنده از آن صحبت می‌کند، نمی‌تواند به طبیعت الهی اشاره داشته باشد چون مسیح الوهیت دارد ولی ما نه! چیزی که نویسنده به آن اشاره می‌کند، اتفاقی است که در زمان لباس جسم پوشیدن عیسی به وقوع پیوست. عیسی با مجسم شدن در بدن بشری، تمام طبیعت انسانی را بر خود گرفت. شاید این پرسش برای ما مطرح شود که چطور ممکن است ذات مقدس خداوند با طبیعت گناه‌آلود انسان در یک جا قرار گیرد و متحد شود؟! نکته اینجا است که گناه بخشی از ذات انسان نبود بلکه کیفیتی بود که پس از گناه با ما همراه شد. خداوند انسان را گناهکار نیافرید!

نویسنده عبرانیان برای اثبات این موضوع به قسمتی از عهدقدیم اشاره می‌کند که برای مخاطبانش بسیار آشنا است. آیه ۱۲ نقل قولی از مزمور ۲۲: ۲۲ است. این همان مزموری است که عیسی وقتی بر روی صلیب بود آن را به زبان آورد. این مزموری مسیحایی است که بر امید به خداوند برای نجات شخص رنج‌دیده تأکید دارد. مزمورنویس این موضوع را مطرح می‌کند که شخص رنج دیده نجات خواهد یافت و خدا را در میان برادرانش تسبیح خواهد گفت. حال وقتی مسیح بر روی صلیب این مزمور را درباره خودش به زبان می‌آورد، خود را هم‌طبیعت با قومش و در موقعیت آنان قرار می‌دهد. نویسنده عبرانیان هم با نقل قول به جا از این آیه نشان می‌دهد که عیسی شریک انسانیت ما شده است.

آیه ۲: ۱۳ هم از اشعیا ۸: ۱۷-۱۸ نقل قول می‌کند. این متن نیز یکی از متون معروف مسیحایی است. اشعیا ۸: ۱۷ پیرامون اعتمادی صحبت می‌کند که اشعیا می‌بایست به یهوه می‌داشت چون قومش در آن روزگار هشدارهای او را نمی‌پذیرفتند. ***جان اووِن*** می‌گوید: «عیسی به این دلیل که شریک طبیعت ما با تمامی «نیازها و مشکلاتش» شده بود، همین اعتماد را داشت» (عبرانیان ۲: ۱۳). اشعیا و فرزندانش در روبه‌رویی با ارتداد قوم اسرائیل به خداوند اعتماد داشتند و این نشانه‌ای برای قضاوت خداوند بر آن قوم بود (اشعیا ۸: ۱۷). همچنین عیسی و آنانی که به عنوان فرزندان، از او پیروی می‌کنند، نشانه قضاوت خداوند بر این قوم بی‌ایمان خواهند بود (اول قرنتیان ۱: ۲۱-۲۵).

کتاب مقدس می‌گوید که مسیح هم کاملاً خدا و هم کاملاً انسان بود. هرچند ما نمی‌توانیم چگونگی این موضوع را بفهمیم و توضیح دهیم ولی این حقیقت به صورتی عجیب و شگفت‌انگیز زیبا است. اینکه خداوند، خالق تمام هستی، عار نداشت بدن انسانی را در بَرکُند و هم‌شکل ما شود.

## ای پدر آسمانی! تو را می‌پرستم! عظمت و بزرگیت را می‌ستایم! ای پدر، مرا ببخش که همیشه در فکر این هستم که بهتر و بزرگتر از آنچه هستم به نظر آیم. همچنین ببخش که حاضر نیستم موقعیتی را که دارم به خاطر نفع روحانی دیگران به خطر بیندازم. خدایا مرا ببخش و کمکم کن تا خودخواهی و غرور را کنار بگذارم. کمکم کن تا با مسیح قدم بزنم و به شباهت او درآیم. آمین!

## 